

یادداشت

یمین و بحران غزه



سعید سیفی

کارشناس ارشد مسائل بین الملل

در حالی که توقف حملات اسرائیل به غزه، به یک درخواست جهانی تبدیل شده، آمریکا در تلاش برای گرد هم آوردن عناصر بیشتر برای تداوم جنگ در غزه است. سفر اخیر وزیر دفاع آمریکا به فلسطین اشغالی و غرب آسیا را می توان در این راستا تحلیل کرد. رئیس پنتاگون در کنفرانس خبری تلاویو از تشکیل ائتلافی متشکل از انگلیس، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا، نروژ، هلند، کانادا، بحرین و سیشل برای مقابله با عملیات های ارتش یمن در دریای سرخ خبر داده است. اعضای این ائتلاف یا به لحاظ گشت زنی یا تامین اطلاعات با هم مشارکت خواهند کرد. با این حال، آمریکا تلاش دارد هزینه بیشترین ائتلاف را به متحدان عربی خود در غرب آسیا تحمیل کند. هدف لوید استین از سفر به منامه نیز جلب موافقت بحرین درباره استقرار مرکزیت ائتلاف علیه یمن در بحرین و همچنین تامین بخش قابل توجهی از هزینه های مربوطه از طریق این کشور بوده است. آمریکا تلاش می کند علاوه بر تحمیل هزینه های مالی و تسلیحاتی این ائتلاف به کشورهای منطقه، هزینه سیاسی منطقه ای و بین المللی آن را هم به متحدان خود در غرب آسیا تحمیل کند تا این ائتلاف را منطقه ای جلوه دهد. جز بحرین نام دیگر کشورهای عربی منطقه در این ائتلاف دیده نمی شود. پیش تر آمریکا از کشورهایی مانند عربستان، اردن، امارات، قطر، مصر و حتی چین هم برای عضویت در ائتلاف دریایی علیه یمن نام برده بود. این کشورها از پیوستن به ائتلاف حامی اسرائیل امتناع کرده اند. در ارتباط با عملکرد یمن در موضوع حمله به کشتی های اسرائیلی بایستی گفت در این ماجرا خود آمریکایی ها مقصر هستند، چرا که آمریکا عامل نا آرامی و محاصره یمن است و در کشور آنها دخالت می کنند؛ لذا عامل گسترش جنگ به یمن، شیوه رفتار آمریکا و رژیم صهیونیستی است. از سوی دیگر، ارتش یمن برای دفاع از برادران و خواهرانشان در فلسطین وارد این جنگ شده است. بدترین و سخت ترین وضعیت برای یک ارتش، ایجاد دو جبهه نبرد است و آمریکا اکنون یک جبهه در فرماندهی مشترک در غزه دارد و توان ایجاد محور جدید را ندارد. یمن به کشتی هایی که محموله های مختلفی را به سرزمین های اشغالی منتقل می کنند طی روزهای اخیر حملاتی را انجام داده است و ضمن محکوم ساخت جنایات صهیونیست ها در کشتار بی رحمانه مردم بی دفاع غزه، به اشغالگران صهیونیست هشدار داده است تا زمانی که به کشتار مردم بی دفاع غزه ادامه دهند دریای سرخ و مسیرهای منتهی به بنادر سرزمین های اشغالی، در تیررس موشک ها و پهپادهای ارتش یمن خواهند بود. البته بر اساس اظهارات مقامات انصارا...، خطوط کشتیرانی برای تمام کشتی هایی که عازم بنادر رژیم صهیونیستی نمی باشند، باز است و آنها می توانند به راحتی از این منطقه تردد کنند. ترس حاکم بر مقامات آمریکایی و کشورهای دنباله روی آنها نشان از ایستادگی محور مقاومت در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی در طول ۷۵ روز گذشته دارد. آمریکایی ها ثابت کرده اند که در قبال نقض فاحش حقوق بشر توسط رژیم اشغالگر قدس در عمل از استانداردهای دوگانه استفاده کرده اند و دست نظامیان صهیونیست را در ارتکاب انواع جنایت در این منطقه باز گذاشته اند. جنگ غزه شعارهای حقوق بشری غرب را بر ملا کرده است، چرا که این جنگ ماهیت سیاه آمریکا، اسرائیل و سازمان های به اصطلاح مدافع حقوق بشر را نشان داده است. نهادهای حقوق بشر وابسته به غرب نه تنها اقدامات صهیونیست ها را محکوم نکرده اند بلکه در خصوص قطعنامه های صادره از سوی سازمان ملل متحد برای توقف جنایات صهیونیست ها و ایجاد کریدورهای بشردوستانه برای کمک رسانی به مردم بی دفاع غزه هم سکوت اختیار کرده اند. از سخنان رهبر انصارا... می توان استنباط کرد که محور مقاومت برای رویارویی با رژیم صهیونیستی، نمی تواند در هیچ زمان و شرایطی از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی کند. محور مقاومت قادر است در صورت فراهم شدن شرایط مناسب و قرار نگرفتن موانع در مقابل آن از سوی نظام های شگست خورده و مزدور، اسرائیل را نابود کند. دلیل طولانی شدن جنگ غزه، اصرار اسرائیل و آمریکا برای پیروزی و رسیدن به اهدافی خاص است و پیگیری افراطی همین هدف احتمال سرایت جنگ به مناطق دیگر را افزایش می دهد. این جنگ از همه جهات از جمله نسل کشی و نژاد پرستی افراطی، جدید است و صهیونیست ها از هیچ جنایتی دریغ نکرده اند. اهداف اسرائیل در قالب موضوع فلسطین است اما آمریکا علاوه بر کمک به پیروزی اسرائیل به دنبال بازیابی حیثیت و هیمنه از دست رفته خود در غرب آسیاست. اگر آمریکا و اسرائیل به این جنگ پایان ندهند حتی امکان تبدیل شدن آن به بحران فرامنطقه ای وجود دارد. کانون جنگ، آمریکا و اسرائیل هستند و اروپایی ها حمایت سیاسی انجام می دهند، این آخرین فرصت آمریکا در احیای قدرت خود در غرب آسیا و جنگی وجودی برای آنهاست و در صورت عدم کسب پیروزی با مشکلات بزرگی مواجه خواهند شد. تبدیل اهداف واشنگتن به اهداف مشترک غربی و یا بین المللی یکی از راهبرد های سنتی آمریکابرای کاهش هزینه های سیاسی، نظامی و مالی است، آمریکا تلاش می کند درباره یمن از این راهبرد استفاده کند. به تاکید صنعتها خواسته یمن، توقف جنگ در غزه است. نیروهای مسلح یمن بارها در بیانیه های خود اعلام کرده است به موازات توقف جنگ در غزه، این نیروها نیز عملیات خود علیه اهداف اسرائیلی را متوقف خواهد کرد. آمریکا برای احیای بازدارندگی فروپاشیده رژیم صهیونیستی، در حال تحمیل هزینه های بیشتر به منطقه و متحدان غربی خود است. این محاسبات اشتباه منجر به آشفتگی بیشتر صحنه جنوب غرب آسیا خواهد شد که الزاما به نفع آمریکا و متحدانش نیست.

روسی ها
منفعت محورند و
نمی توان روی آنها
حساب باز کرد

ایران

خود را متحد روسیه می داند

نه روسیه

روسیه و چین گمان
می کنند ایران در موقعیتی
نیست که برخلاف منافع
آنها اقدام کند

گزاره روسیه خود را متحد
استراتژیک ایران می داند
اشتباه است

آمریکا مجبور خواهد بود در اغلب
مناطق جهان یارگیری کند که خاورمیانه
یکی از این مناطق خواهد بود. شرایط
به شکلی است که هم روس ها و
آمریکایی ها تلاش می کنند برخی
کشورهای خاورمیانه را به سوی خود
بکشانند و نفوذ بیشتری در این منطقه
داشته باشند

کشورها در مذاکراتی که ایران به دلیل ضدیت با آمریکا در آنها حاضر نیست، ایران را محل معامله خود قرار دهند. در مذاکرات برجام یک ذهنیت اشتباه، وجود دارد که باید برجام را در شرایطی به نتیجه برسانیم که ایران تحت هیچ شرایطی با آمریکا وارد مذاکره نشویم و این مذاکره به صورت نیابتی از سوی روسیه، چین و سه کشور اروپایی انجام شود اما منافع ملی ما ایجاب می کند که در برخی موارد به صورت مستقیم با آمریکا مذاکره کنیم. در زمان روحانی، عمان نقش میانجی گری اش را به خوبی ایفا کرد و دولت ایران هم نگاه منفی ای نسبت به مذاکره مستقیم با آمریکا نداشت اما اکنون آن فضا وجود ندارد و اصولگرایانی که قدرت را در دست دارند، شعارشان ضدیت با آمریکاست. از طرفی اگر دولت به عنوان دولت برگزیده اصولگرایان بخواهد با آمریکا وارد مذاکره شود، حامیانش در داخل را از دست می دهد؛ وگرنه همه می دانند از این حالت که ایران و آمریکا به صورت مستقیم با یکدیگر مذاکره نکنند فقط روسیه و چین سود می برند.

آیا روسیه به این فکر نمی کند که با ادامه این رویکرد دو پهلو ممکن است ایران را به عنوان یک متحد از دست بدهد؟

برای روسیه موضوع ایران در اولویت نیست و این رویکرد را به خوبی می توان تشخیص داد. خاورمیانه همواره یکی از مناطقی بوده که محل مناقشه شرق و غرب بوده و در شرایط کنونی نیز این وضعیت وجود دارد. هدف روسیه این است که کشورهایی که در گذشته جز متحدان اتحاد جماهیر شوروی بودند را دوباره تحت نفوذ خود قرار بدهد. از جمله این کشورها سوریه، یمن، لیبی و عراق است که در گذشته جز متحدان شوروی بودند. روسیه موفق شده سوریه را از جنگ آمریکا خارج کند.

هرچند آمریکا حاضر نیست سوریه را ترک کند و در شرایط کنونی نیز بخش هایی از نیروهای خود را در سوریه مستقر کرده و به صورت کامل سوریه را به روسیه واگذار نکرده است. روسیه در یمن امیدوار است که در ساختار قدرت این کشور که در شرایط کنونی طرفدار غرب است تغییر به وجود بیاورند که البته کار ساده ای نخواهد بود. روسیه لیبی نیز تلاش می کند که به این هدف خود برسد. روسیه تلاش خواهد کرد کشورهای خاورمیانه که در گذشته در اردوگاه شوروی قرار داشتند را دوباره تحت حوزه نفوذ خود قرار بدهد. با این وجود آمریکا به راحتی منطقه خاورمیانه را به روسیه واگذار نخواهد کرد. در شرایط کنونی آمریکا هدف اصلی خود را شرق آسیا قرار داده و نیروهای نظامی خود را به این سمت حرکت داده است. این در حالی است که خاورمیانه را ترک نکرده و نیروهای نیابتی خود را در این منطقه باقی گذاشته است. آمریکا در پروژه ابراهیم تلاش کرد بین کشورهای عربی و اسرائیل به عنوان متحدان خود یک اتحاد استراتژی ایجاد کند. این اتحاد به صورت نیابتی بدون حضور آمریکا در منطقه اهداف آمریکا را دنبال خواهد کرد. آمریکا مجبور خواهد بود در اغلب مناطق جهان یارگیری کند که خاورمیانه یکی از این مناطق خواهد بود. شرایط به شکلی است که هم روس ها و آمریکایی ها تلاش می کنند برخی کشورهای خاورمیانه را به سوی خود بکشانند و نفوذ بیشتری در این منطقه داشته باشند.

آرمان ملی- احسان انصاری: چرا روسیه همکاری با اعراب را به اتحاد استراتژیک با ایران ترجیح می دهد؟ آیا در واقع روسیه متحد استراتژیک ایران است و یا این یک ذهنیت خوش بینانه است که توسط حامیان دولت دنبال می شود؟ به چه میزان این احتمال وجود دارد که ایران نسبت به رفتار دو پهلو روسیه به خصوص در همراهی در صدور بیانیه درباره جزایر سه گانه رابطه خود را با روسیه کاهش بدهد؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با پیرمحمد ملازهی، کارشناس مسائل خاورمیانه گفت و گو کرده است. ملازهی معتقد است: «روسیه از همکاری با کشورهای عربی به دنبال منافع خود است و به خوبی می داند که در تعیین قیمت نفت نیز نقش تعیین کننده ای ندارد. واقعیت این است که کشورهای عربی مانند عربستان، امارات، کویت و... هستند که می توانند روی قیمت نفت تأثیر بگذارند. کشورهای عربی نیز از بحران غزه و اقدامات ارتش یمن در باب المندب در راستای افزایش قیمت نفت سود می برند. روسیه به این نکته آگاهی دارد که سیاست های عربستان سعودی است که در تعیین قیمت نفت اهمیت دارد. به همین دلیل موضوع ایران در اولویت بعدی این کشور قرار دارد.»

هدف روسیه از همراهی با اعراب درباره جزایر سه گانه ایران چیست؟ چرا ایران در حالی که روسیه را متحد استراتژیک خود می داند روسیه چنین رویکردی در پیش گرفته است؟

واقعیت این است که ایران گمان می کند روسیه متحد استراتژیک ایران است در حالی که روس ها چنین رویکردی نسبت به ایران ندارند. از ابتدا نیز این وضعیت وجود نداشته و امروز نیز وجود ندارد. نکته مهم در این زمینه این است که روسیه به شدت نیازمند همکاری با کشورهای عربی به خصوص عربستان و امارات در زمینه فروش نفت است. این در حالی است که روس ها در بحران اوکراین گرفتار شده اند و نیاز به کمک کشورهای عربی در زمینه بازار نفت دارند. به همین دلیل در عین حالی که تلاش می کنند ایران را با خود همراه داشته باشند اما در کنار کشورهای عربی قرار دارند و تلاش می کنند همکاری های اقتصادی و سیاسی خود را با کشورهای عربی ادامه بدهند. این وضعیت به خوبی در بیانیه اخیری که کشورهای عربی درباره جزایر سه گانه صادر کردند و روسیه از آنها حمایت کرد وجود دارد. ظاهر روس ها و حتی چینی ها به این جمع بندی رسیده اند که ایران در موقعیتی قرار ندارد که رویکردی در پیش بگیرد که با منافع آنها در تضاد قرار بگیرد. روسیه و چین با توجه به تخصصی که بین ایران و آمریکا و به صورت کلی کشورهای غربی وجود دارد به این نتیجه رسیده اند که ایران ناچار است با این دو کشور کار کند و منافعی را به منافع این دو کشور گره بزند. نکته دیگری که وجود دارد این است که احتمالا موضوع حساسیت ایرانی ها نسبت به اعراب و جزایر سه گانه نیز برای آنها قابل فهم نیست. جزایر سه گانه بخشی از تمامیت ارضی ایران به شمار می رود و ایران نسبت به این موضوع حساسیت دارد. در این ماجرا ذهنیت اتحاد استراتژیک ایران و روسیه نیز تعطیل شده است که البته نکته مثبتی است. به صورت کلی روسیه همکاری با کشورهای عربی را ترجیح می دهد و این ذهنیت بین رهبران کرملین وجود دارد که ایران مجبور است با روسیه همکاری داشته است.

چرا روسیه و چین به این نتیجه رسیده اند که ایران ناچار است که به دلیل تخاصم با غرب با آنها همکاری کنند؟ آیا در چنین شرایطی شاهد یک رویکرد متعقلانه در همکاری بین ایران و این دو کشور خواهیم بود؟

واقعیت این است که در سال های اخیر روس ها از موضع بالا برخورد می کنند. روس ها منفعت محورند و نمی توان روی آنها حساب باز کرد. اگر به گذشته تاریخی نیز نگاه کنیم آسیب ها و ضرباتی که روسیه به ایران زده به مراتب از آمریکا بیشتر بوده است. در این زمینه باید واقع یمن بود. در شرایط

ایران باید یک توازن قدرت را با همه قدرت های جهانی برای خود در نظر بگیرد و با همه قدرت های جهانی ارتباط داشته باشیم. این جریان فکری بر این باور است که اینکه ایران تنها به روسیه و چین اتحاد داشته باشد پاسخ نمی دهد. بهترین سیاستی که ایران می تواند اتخاذ کند سیاست موازنه منفی است که در مورد نظر دکتر مصدق بود و ایشان قصد داشت این دیدگاه را اعمال کند. ایران به همراه پاکستان و افغانستان در منطقه خاورمیانه از اهمیت زیادی برای شرق و غرب برخوردار است